

پنجمی باشی هلاک می شوی!

در کتاب غوالي اللثالي تالیف ابن ابی جمهور احسائي روایت شده است که نبی اکرم(ص) می فرماید: «اغد عالماً او متعلماً اومستمعاً او محباً لهم ولاتکن الخامس فتهلك».



پنجمی باشی هلاک می شوی!

مسجد امین الدوله تهران سال ها شاهد دردانه ای بود که علم و عمل و اخلاق را سرلوحه تمام کارهای خود قرار داده بود و مشتاقان آسمانی شدن را از سرچشمه ناب و زلال حقیقت سیراب می نمود. امروز اگرچه او در میان ما نیست تا از نفس حقیقتش ما را بهره مند سازد اما بدون شک کلام و گفتاری که از او به یادگار مانده می تواند ما را در این غربت واماندگی، رهنمون باشد. آنچه که در ادامه می آید گوشه ای از سخنان این نادره روزگار است:

در کتاب غوالي اللثالي تالیف ابن ابی جمهور احسائي روایت شده است که نبی اکرم(ص) می فرماید: «اغد عالماً او متعلماً اومستمعاً او محباً لهم ولاتکن الخامس فتهلك».

یا باید دانشمند باشی و راه را بدانی، داداش جون! یا متعلم باشی مثل شماها، یا مستمع و شنونده علم، - البته در شما دو حیثیت جمع است، هم متعلم آید هم مستمع و شنونده - یا اینکه دوستدار اهل علم باشید و پنجمی نباشید که هلاک خواهید شد. بنای پروردگار عزیز - جل و عز - بر آموزش است. این روایت را شاید بعضی از آقایان اهل علم بنا بر مصالحی که در نظر دارند، نمی خوانند.

سؤال می شود: خوب باباجان! تو عالم بودی؟ جواب می دهد: نه!

متعلم چطور؟ نه!

مستمع چطور؟ نه!

دوستدار اهل علم چطور؟ نه!

در يك سفره‌اي با عالم هم‌خوراك بوده‌اي؟ نه!

همه‌اش نه! منفي! با عالمي هم‌نام هستي؟ بله، اسمم مثلاً عبدالله، حسن، تقي است.

خطاب می شود: خیلی خوب بپریدش بهشت.

رحمت خدا تا این حد است، آقا جان من!

نسبت عالم به غیر عالم، نسبت پیغمبر(ص) به امت

یا عالم باش، یا متعلم، یا مستمع، یا دوستدار اهل علم.

الحمدلله دو حیثیت در شما جمع است، هم متعلم آید هم مستمع. یعنی هم گوش می دهید و هم یاد می گیرید. اگر پنجمی باشی، هلاک خواهی شد.

شخصی عرض کرد: یا رسول الله! يك نفر بعد از آنکه نمازش را در مسجد می خواند، عبا را بر سرش کشیده و می رود. يك نفر دیگر هم وقتی که نمازش تمام شد، برای ما مسئله شرعی می گوید و حدیث می خواند.

حضرت فرمود: نسبت دومی به اولی، مثل نسبت ما به شماست!

بین داداش جون! تعلیم علم، شغل انبیاست. شهید(ره) در کتاب آداب المتعلمین می فرماید: آن عالم عاملی که اسلام را در میان مردم پیاده می کند، نسبت به مقام پیامبران يك درجه فاصله دارد. این قدر درجه اش بالاست. بله، باباجان من! پس بنابراین، اول انبیاء شفاعت می کنند، بعد علماء، بعد شهداء. این هم اشاره ای بود به موقعیت شما.

طلب علم نافع

آن علمی را باید طلب کرد که مورد نظر خاندان عصمت بوده و مورد دستور و خطاب پروردگار است.

نبی اکرم(ص) عرض می کردند: «اللهم إني اعوذ بك من علم لا ينفع» از بیان حضرت معلوم می شود که يك علم غیر نافع داریم و يك علم نفعی که نفع می بخشد.

اوحی الله تعالی الي داود: «تعلم العلم النافع قال: ما العلم النافع؟ قال أن تعرف جلالی و عظمتی و کبریائی و کمال قدرتی علی کل شيء فهذا الذي يقربك الي».

من هر چه بگویم: علم، کسی که علم اصول می خواند زور می آورد به علم اصول. آن کس که فیزیک یا شیمی می خواند، زور می آورد به فیزیک و شیمی.

اما هیچ کدام از اینها علم نافع نیست، اینها تمامشان طریقیّت دارد، آنچه موضوعیّت دارد، آن علمی است که ما را به پروردگار نزدیک کند.

علم واجب، علم به اصلاح قلب و کمال نفس

از تو سوال می شود، چرا این کارها را نکردی؟ «ما ذلك علي صلاح قلبك» یعنی آن علمی که برای اصلاح قلب تو مفید است،

مورد سؤال و مؤاخذة قرار می‌گیرد که چرا نرفتی یاد بگیری؟
در بعضی از روایات هم بیان شده که «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة و هو علم الانفس». [1] یعنی علمی واجب است که به واسطه‌ی آن در صدد استكمال نفس خود باشی.

[1] - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة و هو علم الانفس. مصباح الشريعة المنسوب للامام الصادق عليه السلام

آية الله ميرزا عبدالكريم حق شناس